

**نویسنده:** دوگ باندو « Doug Bandow »

منبع و تاریخ نشر: انتی وار «2021-02-10» .

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

## آیا رئیس جمهور بایدن قصد دارد از افغانستان خارج شود؟

### Is President Biden Going To Get Out of Afghanistan?

#### یا آیا او توافق با طالبان را خواهد شکست و جنگ بی پایان را حفظ خواهد کرد؟

«جو بایدن» هفته گذشته اولین سخنرانی خود را در زمینه سیاست خارجی به عنوان رئیس جمهور ایراد کرد. در سخنرانی او یک موضوع حذف خیره کننده وجود داشت: که هیچ اشاره ای به افغانستان نمی شود یعنی در مورد توافق دولت ترامپ با طالبان مبنی بر عقب نشینی نیروهای آمریکایی تا اول ماه مه راکه باید فراهم کند. او از طرف مظنونان معمولی تحت فشار قرار گرفته است تا به جنگ بی پایان در افغانستان ادامه دهد. در واقع، در دوران ریاست جمهوری ترامپ تنها یک موضع سیاست خارجی وجود داشت که حمایت دو جانبه را در واشنگتن به دست آورد: اصرار بر اینکه ایالات متحده یک جنگ را ترک نکند، به ویژه جنگ در افغانستان. هتل افسانه ای کالیفرنیا حتماً در افغانستان بوده است - آمریکایی ها می توانند از آنجا بازدید کنند، اما هرگز آنجا را ترک نمی کنند. دموکرات ها و جمهوری خواهان به طور یکسان مصمم به حفظ جنگ افغانستان برای همیشه بودند. اکنون موسسه صلح ایالات متحده، که به طور معمول مداخله و درگیری را تقویت می کند، این وظیفه را بادولت «بایدن» بر عهده دار موسسه صلح ایالات متحده (United States Institute of Peace) میزبان گروه مطالعاتی افغانستان بود، که پیش بینی می شود که ایالات متحده حضور دائمی خود را در افغانستان حفظ کند - حداقل در صورت عدم قصد. واشنگتن باید بماند تا زمانی که شیر طالبان در کنار پره دولت کابل دراز بکشد، که هرگز نخواهد بود پس از نزدیک به «20 سال جنگ تنها جدی ترین استدلال ها می تواند ادامه مشارکت آمریکا در درگیری ها را توجیه کند. در عوض، شرکت کنندگان در مجمع معرفی گزارش گروه مطالعات افغانستان (ASG) تضمین های بیهوده ای را ارائه دادند که در حال حاضر همه چیز بالاخره متفاوت است، یک فرصت بزرگ، که هرگز دیده نشده وجود دارد که می توان از آن استفاده کرد، سرانجام همه در منطقه، واقعاً، واقعاً آنچه را می خواهیم می خواهند. هدف جنگ بی پایان نیست بلکه پایان دادن به جنگ با شرایط آمریکا است و داشتن چند هزار سرباز برای چند ماه، سال، دهه یا هر آنچه که طول می کشد دور از ذهن نیست، مسئله خاصی نیست. چه چیزی می تواند بارزتر باشد؟

چقدر احتمال دارد که همه ای اینها کار ساز باشند؛ در هنگام سیمینار برگزار شده موسسه صلح ایالات متحده (USIP) به هدف گزارش گروه مطالعاتی افغانستان (ASG)؛ رییس و جنرال باز نشسته « جوزف اف دانفورد جونیور = Joseph .F. Dunford Jr » رییس سابق ستاد مشترک ارتش ایالات متحده توضیح داد: «اگر ما از فرصتی که در حال حاضر در اختیار داریم از آن استفاده

کنیم؛ حد اقل چشم انداز دسترسی یا دستیابی به آن حالت نهایی (نتیجه دوستانه ایالات متحده) را حتی اگر تشخیص دهیم که این کار دشوار است، به ارتباط آن یک دقیقه فکر کنید {مردی که در اکثر دوره های ریاست جمهوری «ترامپ» در حالی که «پنتاگون» با رئیس جمهور سرسختانه جنگید تا نیروهای آمریکایی را در جنگ در افغانستان بگذارد یا بماند که پیوسته جنگند؛ دانفورده که در راس سلسله مراتب نظامی قرار داشت گفت: حد اقل یک موفقیت وجود دارد او یعنی دانفورده در زمینه اصرار داشت که آمریکایی ها تعهد خود را برای ماندن در افغانستان تا زمان مناسب شدن شرایط حفظ کنند به این معنی که شیر و پره (به اصطلاح طالبان و دولت مردان افغانستان) کارهای خود را انجام دهند؛ وی به مردم آمریکا اطمینان داد: حد اقل چشم انداز برای توصل به اهداف وجود دارد. پس از دوده جنگ در کشوری که به اندازه سایر منافع در کره زمین با منافع ملی آمریکا فاصله دارد؛ یک چشم انداز اطمینان بخش نیست؟

این دلیل قانع کننده ای برای ماندن در افغانستان نیست. به خصوص که قبلاً چنین وعده هایی را شنیده ایم. مردم آمریکا باید در تجربه دوده خود تأمل کنند و نه به یک گزارش تبلیغاتی نرم و مورد حمایت دولت؛ دیگر بیشتر اعتماد کنند. به لابی طرفدار جنگ نمی توان به راحتی اعتماد کرد. طرفداران ادامه جنگ در افغانستان مردم آمریکا را به مدت دو دهه گمراه و ویاکه به آنها دروغ گفته اند. یعنی به طور مداوم و پیوسته توسط هر دو حزب؛ سالی نسبت سال قبل چه در از جلسات کنگره و مصاحبه های مطبوعاتی. با این خیال بافی در هر لحظه از هر روز. که همه چیز عالی پیش می رود. ما پیروز می شویم. پیروزی درست عنقریب در گوشه ای است. آدمهای بد می بازند. مهم نیست که زندگی از دست رفته و ویاکه پول هدر رفته است. مردم آمریکا باید به افراد بهتر خود اعتماد کنند، فقط به آنها وقت و منابع بیشتری بدهند. به شرطی که متخصصان ضروری بدانند. در اواخر دسامبر «2019» روزنامه واشنگتن پست آنچه را تحت عنوان "مقاله های افغانستان" منتشر کرد. این گزارش کمتر از مقالات مشهور پنتاگون مورد توجه قرار گرفت، بیشتر به این دلیل که جنگ ویتنام منجر به تعداد کشته شدگان، و توسط آمریکایی ها شد. با این حال، داستان گفته شده متأسفانه مشابه است یا که با هم یک سان است.

هیچ یک از اینها یا از این تبلیغات کسی را که به افغانستان سفر کرده و چشمانش را باز نگه داشته است متعجب نخواهد کرد. همیشه جالبترین سفرهای من را وقتی به یاد می آورم بویژه در دو سفر ادای مکالمات غیر رسمی، اظهارات بدون محافظت، اظهار نظرهای پس از پایان جلسات، دعوت نشدن از رده های پایین به جلسات دعوت شده، چت های «دوستانه حرف زدن ها» غیر رسمی با شرکت کنندگان که نمی دانستند من کی هستم یا چرا آنجا بودم یکی از لحظات مورد علاقه من این بود که یک کاپیتان تفنگداران دریایی پیش من آمد و از من سوال کرد که آیا "من مرد کا تو" خردمند هستم. بعد از پاسخ مثبت من، او گفت: "همه اینجا چیزی می فروشند" که متأسفانه درست بود.

مقالات افغانستان از یک پروژه تاریخ فدرال بیرون آمد. جای تعجب نیست که واشنگتن به سختی جنگید تا نتایج را از مردم آمریکا که هزینه تحقیق را مخفی نگه داشته اند مخفی نگه دارد. . .  
وایت لاک (Whitlock) نوشت: "ایالات متحده تلاش کرد تا از اطلاعات اکثریت قریب به اتفاق افراد مصاحبه شده برای این پروژه محافظت کند و تقریباً تمام اظهارات آنها را پنهان کند. پس از یک نبرد حقوقی سه ساله، پست (post) توانست اسناد را تحت قانون آزادی اطلاعات منتشر کند.

این پروژه آموزنده بود. وایت لاک نوشت: "باروشنی و صراحت به ندرت در ملاعام، مصاحبه ها شکایتها، ناامیدی ها و اعترافات محکم، همراه با حدس زدن دوم و سرگردانی را ارائه می دهند" در این مقاله ها از داگلاس لوت، ژنرالی که جنگ را از کاخ سفید نظارت می کرد، نقل شده

است: "ما از درک اساسی افغانستان عاری و بی خبر بودیم - نمی دانستیم چه می کنیم. در اینجا می خواهیم چه کار کنیم؟ مبهم ترین تصویری را که ما در حال انجام آن بودیم داشتیم".

سردرگمی در اهداف با گسترش مأموریت از نابودی القاعده، که تقریباً در ایالات متحده همه از آن پشتیبانی می کردند، به چیز دیگری تشدید شد. **ویتلوك** و دو همکارش، **لسلی شاپیرو (Leslie Shapiro)** و **آرماند امامجومه (Armand Emamdjomeh)**، نوشتند: "هنگامی که [سابق] تا حد زیادی انجام شد، مقامات گفتند که با شروع اتخاذ استراتژی های متناقض و اهداف غیرقابل دستیابی، مأموریت با هم مخلوط شد "مشکل دیگر تعیین اهداف بود. معنی پیروزی چه بود؟

علاوه بر این، ایالات متحده اشتباهات گذشته خود را قسمیکه در ویتنام اشتباه کرده بود تکرار کرده است و یاکه تکرار میکند، **ویتلوك** و همکاران را مشاهده کردند: "ده ها مقام آمریکایی و افغانی به مصاحبه کنندگان گفتند که بسیاری از سیاست ها و ابتکارات ایالات متحده - از آموزش نیروهای افغان تا مبارزه با تجارت پررونق تریاک - سرنوشت و همخوانی داشتند که باید شکست بخورند زیرا آنها بر اساس پیش فرض های نادرست در مورد یک کشور بود که آنها نمی فهمیدند. فساد برجسته بود. در کابل تعداد زیادی از خانه های بزرگ و رنگارنگ را پشت سر گذاشتم که معمولاً "کاخ خشخاش" نامیده می شوند. ثروت مواد مخدر جامعه افغانستان را فرا گرفته بود. ریشه کن کردن یک شرکت عمدتاً نامیدکننده بود که کشاورزان را به عقب راندن طالبان سوق داد. واشنگتن همچنین از راه های دیگر به فساد، که به یک سرطان مدنی تبدیل شد، دامن زد.

**وایت لوك** و دیگران توضیح دادند: "علی رغم وعده های خلاف آن، از اینکه ایالات متحده در تلاش برای ایجاد ملت بزرگ در افغانستان بود یعنی وعده ملت سازی را داده بود، ولی این کشور بی بضاعت را با پول بیشتر از آنچه که می توانست جذب کند، خالی کرد. ثقل و فساد نامحدود شد".

درباره نفرت افغانها به ارتباط طالبان مطالب زیادی وجود دارد. با این حال، دولت مورد حمایت ایالات متحده نیز مورد بی مهری است. تنها افغانانی که با سخنان خوب درباره مقامات کابل روبرو شدند کسانی بودند که برای یک آژانس یا وزارتخانه رسمی کار می کردند. آنها گفتند آمریکایی ها در ازای هزینه های هنگفت انسانی و مالی درگیری چه چیزی بدست آورده اند؟ طی سالهای جنگ که در آن دهها هزار نفر از نیروهای آمریکایی و متحدین تلفات داشتند. و صدها میلیارد دلار هزینه شد. با هزینه بیشتر برای مراقبت از جانبازان آن جنگ. دو دهه قتل و کشته شدن. سالها مرگ و ویرانی در سرزمین و مردم دیگری. هیچ چیز با ارزش ماندگار نیست. با این حال مقامات آمریکایی، از رئیس جمهور به پایین، به طور مداوم از تراز کردن یا هم سطح کردن با مردم آمریکا که پول و اجساد را تأمین می کنند، خودداری می کنند. **وایت لاک** توضیح داد: "چند نفر از مصاحبه شوندهگان تلاش صریح و پایدار دولت آمریکا را برای گمراه کردن مردم توصیف کردند. آنها گفتند که این امر در مقرهای نظامی در کابل - و در کاخ سفید - امری عادی است که آماری را برای نمایش آمریکا تحریف می کند. در حالی که چنین نبود، برنده جنگ بود.

**باب کراولی (Bob Crowley)** مشاور ضد شورش یکبار مشاهده کرد: این استراتژی با اعتبار سنجی ضروری انجام شد؛ قسمیکه هر نقطه آمار «داده» برای ارایه بهترین تصویر ممکن تغییر کرده است مسئله نه تنها که دستکاری شده و اغراق آمیز نبود. **جان سوپکو (John Sopko)** بازرس کل ویژه بازسازی افغانستان به سادگی گفت: به مردم آمریکا دائماً دروغ گفته شده است. ولی بی خیال باید که به گروه مطالعاتی افغانستان و رهبران آنها اعتماد کنید! نه آنها به جنرال بازنشسته؛ به یکی دیگری از کرسی نشین مشترک با این گروه مثل **خانم کیلی ایوتی (Kelly Ayotte)** که در طول کوتاه مدت با همه مهربانی های اش در مجلس سنا که او یک دوره در فوق

شاهین (طرفداران جنگ) قرار داشت. یا که سیاست جنگ را با زی میگرد و با جان مکین (John McCain) و لیندسی گراهام (Lindsey Graham) که هرگز جنگی را سراغ نکردند؛ جنگی را که مردم آمریکا نمیخواستند با آنها هم نظر شد و در همان سیمینار منعقد شده در انترنیت «نمایش آنلاین آموزشی» اویسنی خانم کیلی استدلال کرد که اعضای گروه مطالعه افغانستان که هیچ مخالفتی نشان ندادند و معتقد اند که اگر ما از آن کشور عقب نشینی کنیم میخواستیم در موقعیتی قرار بگیریم که جنگ داخلی در آنجا برپا شود که اگر منافع ما برآورده نشود پس بعید نیست که صلح در آنجا تضعیف نشود یا که روند صلح تضعیف خواهد شد.

اما اوظاهرأ تا هنوز نمیدانست که در حال حاضر یک جنگ داخلی در آن کشور وجود دارد؛ جنگی که تقریباً «43» سال در افغانستان درگرفته است؛ روند صلح وسیله ای است؛ و نه مقصد یا هدفی که با حضور نظامی ایالات متحده محافظت شود؛ این روند که صلح را تحقق می بخشد و یا که نمی بخشد؟

که این مسئله یعنی که اگر منافع ایالات متحده را ترک می کند. پس در اینصورت هیچ کس ارزش جنگیدن در افغانستان را ندارد. آسیای میانه به اندازه سایر نقاط کره زمین از ایالات متحده فاصله دارد. این مورد همچنین به همان اندازه زمینه های خصمانه است که وجود دارد: مثل اسلامگرایی، بنیادگرایی سنتی، در میان انبوه جمهوریهای شوروی اقتدارگرایی سابق، و در محاصره کشورهای جدی، بالقوه خصمانه: همچو ایران، روسیه، هند، پاکستان و چین. بعد از من تکرار کنید، آمریکایی ها هیچ منافع قابل توجهی ندارند - یعنی ارزش جنگیدن برای آنها - در تلاش برای حفظ یک پایگاه نظامی، چه رسد به تلاش برای ایجاد یک دموکراسی لیبرال، در اعماق آسیای میانه. واشنگتن به عنوان یک تاکتیک جنگ سرد به شدت درگیر حمایت از مجاهدین در دوران ریاست جمهوری ریگان بود. هیچ کس بیش از حد نگران ماهیت رژیم نبود که مسکو از آن حمایت می کرد یا این ممکن که شورشیان پیروزشوند و در آنجا استقرار یابند؛ هدف ساده بود: بیرون راندن اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان و تحقیر رژیم شوروی. آنچه که حاصل شد آمریکایی ها از خود به شکایاتی نه پرداختند و کشور را دوباره ساخته اند، بی معنی بود. مجاهدین، بسیاری از اسلام گرایان تندرو مانند اسامه بن لادن، علاقه ای به تعلیم و تربیت از واشنگتن نداشتند. آنها همانطور که به مداخله شوروی پاسخ دادند به حضور آمریکا پاسخ می دادند.

دولت بوش به دلایل محدود به افغانستان بازگشت: تخریب القاعده و مجازات طالبان به دلیل میزبانی القاعده. اگرچه تثبیت ویا تجکم عجیب و غریب نئو محافظه کاران آمریکا در عراق هدف اول را مختل کرد، و فرار بن لادن (به "متحد" آمریکا، پاکستان) را کاهش داد، واشنگتن به سرعت به هدف دوم دست یافت. متأسفانه، ایالات متحده ما موریت خود را برای ایجاد یک دولت مرکزی واحد، دموکراتیک و قدرتمند در یک جامعه قبیله ای سنتی حاکم در دهکده و دره؛ گسترش داد. این کمپین ویا این جدوجهد هرگز خوب پیش نخواهد رفت که نه رفت و حتی با رسیدن و جابجا شدن یک پادگان یا نیروهای نظامی آمریکایی در حدود «100,000» سرباز (به علاوه با اعزام 40,000 دیگر از سربازان ایالات متحده)، تعهد منابع بسیار فراتر از هرگونه منافع احتمالی، از دسترس خارج شد. افغانستان یک فاجعه است. افراد خوب و شایسته بسیاری در آنجا وجود دارند که ناامیدانه می خواهند در یک جامعه لیبرال زندگی کنند یا این حال، این هدف آمریکایی نیست که برای دادن جنگ به جنگ بپردازد. چنین کاری حداقل در قیمتی مقرون به صرفه در اختیار آمریکا نیست.

. البته، رهبران گروه های مطالعه افغانستان به ما اطمینان می دهند که فقط چند نیرو - اما آنها از مشخص کردن تعداد آنها یعنی آن نیروها امتناع کردند - که ضروری هم است. افسوس که این نیروهای دست بکار و بسیار مشغول، مأمور به دورنگه بودن یادوگانه بودن طالبان، و وادار کردن شورشیان برای دادن امتیازات گسترده به مقامات ناتوان و منشعب کابل که رهبری طالبان را بقول خود متعهد سازند؛ از اجرای توافق احتمالی صلح نهایی چیزی حاصل کنند و جامعه جنگ زده را

به نیک بختی و دموکراتیک و سعادت ابدی چوپانی یا رهبری کنند. و با هر چیز دیگری هنگام گشت زنی در یک سرزمین خصمانه که نیمی از دنیا در سالها و دهه های آینده در حال گشت زنی است، پیش خواهد آمد. افسوس که «140» هزار سرباز متحد نتوانستند صلح را تحمیل کنند. تعداد انگشت شماری از چپ قطعاً نمی تواند چنین کاری کنند. تقریباً با هر معیاری موقعیت دولت افغانستان در درگیری رو به وخامت است. گزارش های سیگار توالی داستان های دزدی، زباله، بی کفایتی و ناکارآمدی است. حملات شهری طالبان افزایش یافته، کل ساحات تحت تصرف طالبان افزایش یافته، تلفات و خسارات در بین پرسنل امنیتی افغانستان بیشتر شده است در اواسط سال «2019» نیویورک تایمز گزارش داد که "در اکثر میدان «میدان های» اصلی جنگ، هنوز تعداد زیادی از نیروهای منظم افغانستان در پایگاه ها و پاسگاه های مستحکم جمع شده اند. بیشتر عملیات های آنها جمعی به تعداد اندکی از سربازان عملیات ویژه افغان و آمریکایی سپرده شده است. با پشتیبانی نیروهای هوایی هر دو کشور. فعالیت صورت میگیرد.

سیاست افغانستان همچنان ناخوشایند و تقسیم شده با قیمتهای بسیار است. سیاستمداران به جای توسعه اخلاق مدنی و نهادها بی که مردم ارزش دفاع از آنها را دارند، با یکدیگر می جنگند. نمونه بارز این بی کفایتی رژیم، کاهش امنیت در کابل است. سفارت آمریکا، یک ساختمان مستحکم در یک خیابان مستحکم در یک منطقه مستحکم موقعیت دارد، که دیگر کارمندان خود را از طریق جاده به فرودگاه نمی فرستد. هلی کوپتر را به عنوان تاکسی بکار میگیرند این بعد از بیش از «19» سال جنگ خشونت علیه سربازان آمریکایی کاهش یافته است در «12» ماه گذشته هیچ کشته ای از آمریکایی ها در جنگ وجود نداشته است که این خود فقط به دلیل مذاکرات صلح است. اگر واشنگتن پیمان خود را با طالبان بشکند و اصرار کند که دور بماند، و نیروها صرف بیشتر به هدف نگاهبانان فعالیت داشته باشند. هشدار داده شده به پس در اینصورت موسسه آدام وینستین (Adem Weinstein) هشدار داده است که این نیروها با اجرای فعالیت نگهداری و حفاظت شاید به یک ضد شورش خشن باز خواهند گشت علاوه بر این، هرگونه درگیری نظامی طولانی مدت، آمریکا را درگیر منطقه ای خطرناک می کند که مورد توجه بیشتر نیروهای قدرت خصمانه مثل روسیه رقیب بزرگ و چین قدرتمند بزرگ. رقیب هژمونیک بالقوه جدید قرار خواهد گرفت. ایران با لابی های سعودی و اسرائیلی دائماً برای مقابله و جنگ فشار می آورد. پاکستان اغلباً برای افغانستان همیشه یک دشمن خطرناک است. اما هند یک دوست نامی و همیشگی برای افغانستان باقی مانده است، ولی با آنها ناتحمل و یا ناشکیبا و هم بی ثبات است. نیروهای آمریکایی باید به جای جنگ در میان خود، تا آنجا که ممکن است از خصومت های احتمالی دور باشند. چرا نیروهای آمریکایی باید در افغانستان بمانند؟ سخنان یا موضع حضور موقت را فراموش کنید. گروه مورد مطالعه افغانستان یک نیروی دائمی را پیشنهاد می دهند. و آن اینکه شرایط برای عزیمت آمریکا هرگز مناسب نخواهد بود زیرا پایان دادن به جنگ داخلی مبتنی بر حضور ایالات متحده امری مصنوعی خواهد بود مستلزم ادامه آن حضور است. در واقع، کنار گذاشتن توافق نامه و تمدید یک جانبه نقش آمریکایی بر اساس ارزیابی واشنگتن از "شرایط"، دعوت طالبان برای کنار گذاشتن روند صلح و همچنین توافق و دوباره عملیات است. اگر چنین اتفاقی بیفتد، پنتاگون و حزب جنگی بزرگتر واشنگتن به رهبری افرادی مانند دانفورد و خانم آیوت چقدر احتمال دارد که از حداقل یک پادگان چند هزار نفری پشتیبانی کنند؟ دولت «بایدن» مجبور خواهد شد بین عقب نشینی یا تشدید - و انتقال تعهد نظامی آمریکا به دهه سوم خود انتخاب کند. هزینه سیاسی هر یک ممکن است زیاد باشد.

بهترین راه برای تصمیم گیری فراموش کردن این واقعیت است که نیروهای آمریکایی از قبل در آنجا هستند. گذشته بی ربط است یعنی ضرور نیست که بالای گذشته بیشتر بیاندیشیم. به گفته اقتصاد دان، هزینه ها "فرو رفته" است و از بین رفته است. مجموعه ای از سیاستمداران غیرمسئول هزاران انسان آمریکایی، اعضا خدمت و پیمانکاران را به طور ناخواسته قربانی کرده اند. آنچه

انجام شده انجام شده است و کنون قابل استفاده نیست در عوض ، هنگامی که به جلونگاه می کنیم ، این سوال باید مطرح شود: آیا هیچ آمریکایی عاقلی از ارسال پادگان (سربازان) برای حمایت از دولت شکسته ، بی کفایت ، فاسد و منحل شده کابل در میان جنگی به ظاهر بی پایان حمایت می کند؟ همانطور که «جو بایدن» نامزد آن سال گذشته در چهره از ملت خود مشا هده کرد: " که البته هزار مکان در دنیا وجود دارد که می توانیم برای مقابله با بی عدالتی برویم. من می توانم به ده کشور فکر کنم که در آن جا زنان و / یا کودکان و / یا مردم تحت تعقیب قرار گرفته اند یا تحت تعقیب قرار می گیرند. صد مه دیده اند و یا متضرر میشوند. اما این ایده که ما بتوانیم از نیروهای مسلح خود برای حل مشکلات داخلی که در سراسر جهان وجود دارد استفاده کنیم در حد توانایی ما نیست".

حال و یا اکنون چطور برای آوردن دموکراسی به افغانستان رفت ؟ این خود خندیدن در بیرون از اتاق است البته که نیست طولانی دیگری از ملتهای دیگر وجود دارد که فاقد آزادیهای اساسی دموکراتیک هستند برای ارتقا یا تامین برابری جنسی؟ مطمئناً که یک هدف شایسته است ، اما توجیهی برای جنگ نیست و اشنگتن همچنین ممکن است بمباران عربستان و ایران را آغاز کند. زیرا افغانستان به نوعی قلمرو "حیاتی" است؟ این مشاجره الاستیک باعث می شود دوستان تان شما را ترغیب کنند که بیا ستید کمدی را امتحان کنید تا زمان حمله شوروی ، بیشتر آمریکایی ها فقط افغانستان را از کتاب های تاریخ می شناختند. اما نه برای اطمینان از دسترسی به منابع معدنی فراوان افغانستان؟ که فقط آن « مینرالها» را بخريد. از آنجا که مسائل امنیت ملی گسترده تری در معرض خطر است؟ و همچنان مسائل امنیت ملی بیش از این در گینه بیسائو ، بوتان ، پاراگوئه ، اسواتینی ، سورینام یا پاپوآ گینه نو است.

از آنجا که جنگ داخلی در حال انجام است ممکن است بدتر شود؟ از چه زمانی و اشنگتن تلاش می کند درگیری های داخلی سایر کشورها را حل کند؟ از آنجا که همسایگان افغانستان ترجیح می دهند آمریکا مشکلات خود را برطرف کند؟ به نظر می رسد اعضای امروز نا تو هستند که انتظار دارند و اشنگتن از آنها محافظت کند تا مجبور نشوند ارتش خود را بسازند. و اشنگتن در حال حاضر بیش از حد وابسته به دفاع بی شرم و بی شرمانه دارد. برای جلوگیری از مرگ بیهوده پرسنل خدماتی کشته شده در آنجا؟ راه مناسب برای تکریم کسانی که فداکاری کرده اند این است که بدون دلیل موجه ، تعداد بیشتری از آمریکایی ها را برای مرگ بکشند برای نشان دادن عزم راسخ به چینی ها و روس ها تا آنها معتقد باشند ایالات متحده آمادگی جنگ را دارد؟ هر زمان که رئیس جمهور رها کردن درگیری که آمریکا هرگز نباید در آن وارد می شد ، حزب جنگ دو طرفه و اشنگتن اصرار دارد که بمباران نکردن [پر کردن کشور خالی] منجر به تصرف چین تا یوان ، روسیه با غلبه بر کشورهای بالتیک ، تصرف ایران از خلیج فارس یا موارد دیگر خواهد شد. دیگر وحشتناک است. این یک تخیل نظامی ستیزانه است که به عنوان تحلیل سیاست مطرح می شود. بهتر است با محدود کردن جنگ به چالش هایی یا پرابلم هایی که ارزش جنگیدن دارد ، قضاوت و اختیار را نشان دهیم. به هر حال ، و اشنگتن بارها تمایل خود را برای اقدام در هنگام به خطر افتادن منافع جدی مانند جنگ جهانی دوم نشان داده است.

برای جلوگیری از حمله تروریستی دیگر؟ از جمله استدلال های خردمندانه این است که اگر ما برای کنترل مثلاً هلمند با طالبان نبرد نکنیم ، ما برای کنترل سنوارشیور ریبیر واک ( Sanwartios Riverwalk = شهری در ایالت تکزاس ) یا مینی سوتا مال آمریکا ( Manesota Mall America ) با القاعده درگیر خواهیم بود. این صریحاً جنون آمیز است. افغانستان هیچ ارتباط ذاتی با تروریسم ندارد. بن لادن برای جنگ با شوروی به آن کشور یعنی به افغانستان رفت. کمک های ایالات متحده ، متأسفانه از طریق دولت اسلام گرای ضیا و الحق در پاکستان ، عمدتاً به نیروهای افغان

وبه دیگران مانند القاعده ، دشمن با غرب و همچنین با شوروی منتقل شد. بن لادن از میهمان نوازی طالبان برای حمله به آمریکا سو استفاده کرد . طالبان هرگز علاقه ای به چگونگی اداره دیگران بر خود نشان نداده اند (بسیار متفاوت از نگرش های واشنگتن!) و از اینکه قهر و خشم آمریکا توسط بن لادن را در سرزمین جدا شده اش که خود از آن سرزمین ناراض بود ، بوجود آورد یا که موجب قهر آمریکا شد مسله ای آشکار است اگرچه این گروه ها با هم علیه آمریکا جنگیده اند ، القاعده سایه ای سابق از خود است یا که سایه سابق القاعده تصور میشود و حال آنکه هیچ کس تصور نمی کند که پس از صلح ، طالبان ؛ کسی بخواهند یا با واگذاری بهر کسی برای انجام عملیات تروریستی در آینده علیه آمریکا مبادرت کند ، و یا که خطری برای واشنگتن بوجود آورد . صادقانه بگویم ، هیچ کس دیگری در این نزدیکی نیست که افغانستان را دوباره به یک پایگاه تروریستی تبدیل نماید یا که ادعا کند افغانستان به یک پایگاه نظامی کسی تبدیل شود ، به ویژه قدرت های بزرگتر ، که تاکنون با درگیری آمریکا از هرگونه مسئولیت حفظ ثبات و صلح منطقه خود در امان مانده اند . و این بن لادن ناراض از سرزمین خود بود که خشم آمریکا را در سرزمین جدا شده خود بر سر آنها یعنی بر طالبان افغانی فرود آورد . بسیاری از فضاها و یا ساحات غیر دولتی و بیشتر ناکافی بر روی زمین وجود دارد که در معرض عملیات تروریستی قرار دارند: **بن لادن** در هنگام کشته شدن در پاکستان فعالیت می کرد و یمن مدتها میزبان خطرناکترین وابستگان به القاعده بود. واشنگتن به سختی می تواند امیدوار باشد که هر مکانی از زمین را که ممکن است یک گروه تروریستی در آن واقع شود ، اشغال کند. یا که نباید در این اندیشه باشد که بخاطر جنگیدن با تروریزم دیگر سرزمین ها را اشغال کند بهتر است این نکته روشن شود که دولتهایی که نتوانند قلمرو خود را کنترل کنند باید در هنگام پاسخگویی ایالات متحده از این راه دور بمانند وگرنه خیلی زود به دولتهای سابق تبدیل می شوند. حتی واضح تر ، واشنگتن باید جنگ بی ادبانه و دشمن سازی بی مورد خود را متوقف کند . افغانستان یک فاجعه است. تقریباً همه صلح را ترجیح می دهند. اما در آن سرزمین ویران شده هیچ کس زیر سن «40» سال صلح را نمی داند . آمریکایی ها تقریباً «20» سال در آنجا جنگیده اند ، بسیار بیشتر از شوروی. پرسنل آمریکایی متولد شده پس از «11» سپتامبر در آنجا خدمت می کنند. فرزندان افراد مستقر در افغانستان اکنون در آنجا خدمت می کنند. آمریکایی ها بیش از آنکه ایالات متحده در جنگ های مکزیک-آمریکا ، جنگ داخلی ، جنگ اسپانیا-آمریکا ، جنگ جهانی اول ، جنگ جهانی دوم و جنگ کره درگیر شود ، در افغانستان می جنگند .

چه نوع جنون واشنگتن را آزار داده است؟ دولت «بایدن» باید دخالت نادرست آمریکا در افغانستان را پایان دهد. هماهنگی که لابی جنگ برای چند ماه یا چند سال دیگر در آنجا ادعا می کند ، آمریکایی ها باید به یاد داشته باشند که مقامات واشنگتن تقریباً «20» سال است که در مورد درگیری دروغ می گویند. ادعاهای امروز آنها قابل اعتماد تر از گذشته نیست. به همین دلیل بهتر ، شاید نخبگان افغانستان نیز نا امید باشند که آمریکا را در هم تنیده نگه دارند. با این حال ، استدلال آنها بهتر نیست. **امرالله صالح** معاون اول رئیس جمهور اخیراً دچار هیستری شد و ادعا کرد که "سرنوشت ، شهرت و جایگاه تمدن غرب" در کشور وی در معرض خطر است. در واقع ، اکثر مردم در جهان ، از جمله در آمریکا ، صرف نظر از آنچه در افغانستان اتفاق می افتد ، زندگی خود را به طور عادی ادامه می دهند. برنهایت ، صلح به عهده مردم افغانستان و همچنین همسایگان افغانستان است که در آینده این سرزمین بیش از آمریکا در معرض خطر هستند. رئیس جمهور **بایدن** فرصتی دارد تا با پایان دادن به این جنگ واقعاً بی پایان ، که سه رئیس جمهور گذشته را آزار داده است ، دوباره شروع کند. در غیر این صورت ، چهار یا هشت سال دیگر او باید برای مردم آمریکا توضیح دهد که چرا آمریکایی ها هنوز در آسیای میانه بیهوده می میرند. و این تراژدی ظاهراً بی پایان را به جا نشین وی منتقل کنید.

---

## چند سطر در مورد نویسنده :

دوگ بندو یکی از اعضای ارشد موسسه کاتو است. وی برای تشکیل دستیار ویژه رئیس جمهور رونالد ریگان ، نویسنده کتاب "Follies Foreign: America's New Global Empire" است.

=====

با تقدیم سلامها «2021-02-16»